

عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات - صدیقه نصیر اوغلی خیابانی، ناهید رئیسی

### فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال سیزدهم، شماره ۵۱ «ویژه عدل الهی»، تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۷ - ۱۰۹

## عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات

\* صدیقه نصیر اوغلی خیابانی

\*\* ناهید رئیسی

**چکیده:** هدف از ابتلای پیامبران و اولیای الهی به مصایب، استحقاق بیشتر آنان برای کسب درجات است، اما هدف از ابتلای انسان‌های عادی، تذکر، توبیخ و کفاره گناهان یا آزمون الهی و یا رشد و تکامل آنهاست. پس حوادث و مصایب تلغ و ناگوار زندگی، افراد را در مسیر رشد و کمال، یا زیان و ضلال قرار می‌دهند تا سره از ناسره شود جدا و تمامی شعارها و ادعاهای با اعمال آزموده، درجه صبر و شکیبایی آشکار و عیار ایمان افراد معلوم گردد. در این مقاله، عوامل مصیبت با استناد به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام بررسی می‌شود تا روشن گردد که آیا مصیبت از جانب خداوند بوده و با عدالت او ناسازگار است و یا خود انسان نیز در آن نقش دارد؟ و مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز مصایب کدام‌اند؟

**کلیدواژه‌ها:** مصیبت، ابتلا، قرآن، صبر، عدالت.

---

\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. khiabani2001@hotmail.com

\*\* دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

انسان طی قرون و اعصار هرگز از مصایب به دور نبوده و نحوه برخورد او با آنها بستگی به شخصیت وجودی، معرفت الله و معرفت النفس اش داشته است. معرفت الله به شناخت او از خداوند تبارک و تعالی و حکمت پنهان در هر مصیبی که بدون دخالت انسان اتفاق می‌افتد منجر می‌شود و معرفت النفس به شناخت او از نفس "ضعیف"، "جهول"، "هلوع" ای می‌انجامد که خود با ناسپاسی، انجام گناه، تقصیر و قصور، موجب اصابت مصیبیت می‌گردد.

همان گونه که نعمت‌های الهی بستر آزمون انسان‌هاست تا میزان شکر آنها هویدا شود؛ نقمت‌ها، ناکامی‌ها، نداری‌ها و کاستی‌ها نیز زمینه‌ساز آزمایشی هستند که میزان صبر و شکیبایی و عیار ایمان انسان‌ها را مشخص می‌کند و موجب گزینش بهترین‌ها می‌شود.

سنگ طلای استخراج شده از معدن در کوره آتش، ذوب می‌گردد، ناخالصی اش جدا می‌شود و طلای خالص به دست می‌آید. انسان‌ها نیز در کوره نامالایمات و مصیبیت‌های زندگی و بلایا و سختی‌ها خالص‌تر می‌شوند و ناخالصی‌های نفسانی آنها کثار می‌رود.

اصابت مصیبیت در مواردی که انسان نقشی در آن نداشته باشد، با عدالت خداوندی در تناقض نیست، بلکه در صورت برخورد صحیح انسان می‌تواند باعث افزایش درجه خلوص، قرب بیشتر الهی، اجر معنوی و درس آموزی به دیگران شود. همچنان که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

انَّ الْبَلَاء لِلظَّالِمِ ادْبُ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاء درجة وَ لِلأُولَيَاء كِرَامَة (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق: ص ۶۳۱)

بلا بر ظالم ادب نمودن، برای مؤمن امتحان، برای انبیاء درجه، و برای اولیاء،

کرامت است.

البته برخورد نادرست، ناشکیبایی و اعتراض و برخورد از موضع ضعف نیز می‌تواند به عوارض بسیاری از جمله بیماری و ضعف و شکست بیانجامد. قرآن کریم و روایات اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> در مورد مصیبت و برخورد صحیح با آن بهترین شارح و راهنمای است که پیروی از آنها در این مورد به سعادت انسان منجر می‌شود.

### معنای لغوی و اصطلاحی مصیبت

«مصیبة»، اسم فاعل باب افعال از مادة «صَوْب» به معنای رسیدن چیزی از بالا (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ج ۷ ص ۱۶۷)، نزول شیء و استقرار یافتن آن در محل و جایگاهش می‌باشد، مانند نزول باران. (ابن فارس، بی‌تا: ج ۳ ص ۳۱۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ ش: ج ۶ ص ۳۵۴) اما در معنای مصیبت، راغب، اصل واژه مصیبة را در تیرانداختن دانسته و سپس آن را مخصوص سختی و دشواری معنا کرده است. (راغب، ۱۴۱۲ ق: ص ۴۹۵) معانی دیگری که برای این واژه بیان شده، عبارتند از: آنچه از زمانه به انسان اصابت می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱ ص ۳۱۴)، امور مکروه و ناپسند (طربی، ۱۳۷۵ ش: ج ۲ ص ۱۰۱)، بلا، سختی و هر پیشامد بد (بستانی، ۱۳۷۵ ش: ص ۳۸۱)، و بلیه و گرفتاری که به انسان می‌رسد، گویی که انسان را قصد می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۷ ش: ج ۴ ص ۱۵۹) اما مصیبة در اصطلاح قرآن و روایات، عبارت است از هر واقعه‌ای که آدمی با آن روبرو شود - چه خیر و چه شر - لیکن جز در وقایع مکروه و ناراحت کننده استعمال نمی‌شود. (راغب، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۴۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱، ص ۵۳۴؛ طربی، ۱۳۷۵ ش: ج ۲، ص ۱۰۱) همچنین به مشقّتی که در روح انسان اثر می‌کند گفته‌اند. (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۱۲۸)

## وجوه معنائی مصیبت در قرآن

واژه " المصیبت " ۱۰ بار و در ۹ سوره قرآن کریم به کار رفته که بیشتر به معنای فرا رسیدن زمان مرگ بوده است: **فَأَصَابَكُمْ مُصِيَّبَةُ الْمَوْتِ** (المائدہ: ۱۰۶)، یا رنج و سختی و بلایا: **وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيَّبَةٍ فَإِمَّا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوْ عَنْ كَثِيرٍ**. (الشوری: ۳۰)

### حقیقت مصیبت

طبعت زندگی، جاذب مصیبت‌ها و سختی‌ها و پیشامدهاست. آفرینش انسان بنایی است که عناصرش را درد و غم و سختی و مصیبت و دشواری و بلا و ابتلاء تشکیل داده است. اگر برخورد انسان با مصایب و رنج‌ها و سختی‌ها هماهنگ با دستورات حضرت حق باشد، سعادت همه جانبه انسان در پرتو آن تضمین می‌گردد.

حضرت علی علیل در خطبه متقین در مورد مردان خدا می‌فرماید: **صبروا أَيَّاماً قصيرةً أعقبتهم راحة طولية، تجارة مربحة يسرّها لهم ربّهم. أرادتهم الدنيا فلم يريدوها وأسرتهم ففقدوا أنفسهم منها.** (نهج البلاغه، خ ۱۹۳)

در روزگار کوتاه دنیا، صبر کردند، آنگاه تا آسایش و راحتی جاوید را به دست آورند، تجاری پرسود که پروردگارشان فراهم فرموده است. دنیا می‌خواست آنها را بفریبد، اما عزم دنیا نکردند، می‌خواست آنها را اسیر خود گرداند، که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.

پس یکی از صفات برجسته اهل تقوا، برداری در مصیبت‌ها است.

### منشاً مصیبت

قرآن کریم منشاً مصیبت را در برخی موارد، از جانب خود انسان معرفی می‌کند:

**وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيَّبَةٍ فَإِمَّا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوْ عَنْ كَثِيرٍ** (الشوری: ۳۰) و هر [گونه] مصیبتي به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست، و [خداء]

از بسیاری در می‌گذرد.

در این خصوص، منشأ مصیبت را در دو عامل زیر می‌توان جستجو کرد:

### الف) قصور و سوءتدبیر

گاهی انسان - خواسته یا ناخواسته - در اصولی کوتاهی نموده و یا به واسطه سوءتدبیر، سرنوشت خود یا دیگران را تغییر می‌دهد. سزاوار است در برخورد با این گونه اشتباهات، علاوه بر جبران مافات، از پروردگار حکیم درخواست توفیقات بیشتر نماید.

### ب) گناهان

امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

توقوا الذنوب، فما من بلية و لا نقص رزق الا بذنب حتى الخدش و الكبوة و المصيبة.

(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۰ ص ۳۵۰)

از گناهان بپرهیزید که هیچ بلا و کمبود روزی‌ای نیست مگر به خاطر گناهی (که انجام می‌دهید)، حتی خراشی که بر بدن وارد می‌شود، لغزیدن و به زمین خوردن (شما) و مصیبی که بر روح و پیکرتان وارد می‌گردد (از آثار گناهان شماماست).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اما انه ليس من عرق يضرب، و لا نكبة، و لا صداع، و لا مرض الا بذنب. (کلینی، ۱۳۸۸ش: ۲، ص ۲۶۸)

آگاه باشید اگر رگی از رگ‌های انسان به ضربان افتد، یا پایش به سنگ خورد، یا سرشن درد بگیرد، یا مریض شود، به خاطر گناهی است که مرتكب شده است.

همچنین حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل می‌فرماید:

اللهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنَزَّلَ النَّقَمَ.

خدا یا گناهانی را بر من ببخش که باعث نزول بدینختی می‌شوند.  
از سویی صبر بر مصایبی که به انبیاء و اوصیای آنان می‌رسد، یکی از کمالات  
بزرگ مردان خدا بوده و باعث ترفیع مقام و درجات آنان در بهشت و تقرب  
بیشتر آنها به پروردگار می‌گردد.

### اهمیت و حکمت مصیبت‌ها

#### الف) حکمت آزمون الهی

یکی از علل آزمایش‌های الهی، پرورش استعدادهای نهفته انسان و کشف  
گوهرهای درونی اوست. آدمی در کوران آزمایش الهی همانند سنگ معدنی  
می‌ماند که در کوره‌های آتشین نهاده می‌شود تا ناخالصی‌های آن جدا گردد و دُرّ  
گرانبهای درون آن آشکار گردد. (سبحانی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ص ۲۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش: ج ۱،  
ص ۵۲۸)

امتحان، همان گونه که برای شکوفایی استعداد انسانی در امور دنیایی سودمند  
است، در تعیین هدف اخروی نیز نقش مؤثری دارد: جهنم برای کافران و یا  
بهشت برای مومنان؛ و این هدف با امتحان و آزمایش میسر می‌شود. (جوادی آملی،  
۱۳۸۷ش، ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران)

امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلوات الله علیه و سلام نقل می‌کند که فرمود:  
ان عظیم البلاء يکافا به عظیم الجزاء، و اذا احبا اللہ عبده ابتلاه بعظيم البلاء؛ فمن  
رضي فله الرضا عند الله عز و جل و من سخط البلاء فله السخط. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ص ۱۸؛  
دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۳)

به سبب بلای بزرگ، پاداش بزرگ داده می‌شود و چون خداوند بندهای را  
دوست بدارد، او را به بلای بزرگ گرفتار می‌کند. هر کس راضی باشد،  
خشنویدی خداوند را در پی دارد، و هر کس خشمگین شود، به خشم خدا  
گرفتار شود.

## ب) حکمت مصایب و بلایای الهی

خداؤند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

ما أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ  
ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (الجديد: ۲۲)

۹۳

هیچ مصیبی، نه در زمین و نه در نفس‌های شما، [به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است.

آیات الهی، بر ارتباط میان اعمال انسان و نظام عالم تأکید دارد. این تأثیر و تأثرات به اقتضای سنت‌های الهی است، مگر اینکه سنت دیگری از وقوع چنین حادثی ممانعت به عمل آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۸، ص ۸۶)

بیشتر مصیب‌هایی که بر انسان وارد می‌شود، با عمل خود انسان ایجاد شده، اما از آنجا که خداوند، مهربان و رئوف است، اکثر این بلاحا را دفع می‌کند و بسیاری از آن‌ها را می‌بخشد تا از سر لطف و رحمت، آثار گناهان را از انسان‌ها بازدارد. (قطب راوندی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۳۵۶)

اگر خداوند به بندگان خود مهربان نبود، به یقین کردارهای انسان، سبب هلاکت تمام و تمام او می‌شد؛ زیرا انسان‌ها هر روز در گناهی جدید غوطه‌ور می‌شوند و خشم الهی را متوجه خود می‌گردانند. (مدرسی، ۱۳۷۷ش: ج ۱۲، ص ۳۵۶)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ان الله يخص أولياء بال المصائب ليأجرهم عليها من غير ذنب. (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق: ص ۶۳۱)

خداؤند مصایب را به اولیای خود اختصاص داده تا آنان را که گناه نکرده‌اند پاداش دهد.

## اقسام مصیبت در قرآن و روایات

آیات ابتلا، آزمایش الهی را شامل تمام جهات وجودی انسان و هر چیزی که به نحوی مرتبط با وی باشد می‌شمرد.

**إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ** (التغابن: ۱۵)

اموال شما و فرزندانتان صرفاً [وسیله] آزمایشی [برای شما] بیند، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.

خداؤند انسان‌ها را با هر دو قسم مصیبت می‌آزماید، هم با تنگ‌دستی و دشواری [نقمت] و هم با غنا و راحتی [نعمت]. انسان در تنگ‌دستی و دشواری با «صبر» و در غنا و راحتی با «شکر» آزموده می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: **وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةٌ** (آل‌آلیاء: ۳۵)

و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود.

### ۱. آزمایش و ابتلا از طریق امنیت و آسایش

خداؤند هر فردی یا امته را به وسیله خاصی که متناسب با اوضاع روحی و اجتماعی اوست، می‌آزماید. یکی از طرق اجرای سنت ابتلای الهی، بسط دنیوی است. قرآن کریم می‌فرماید:

**فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوْلَاهُ نِعْمَةٌ مِنَا قَالَ إِنَّمَا أُوتِينَاهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ** (آل‌آلیاء: ۴۹)

و چون انسان را آسیبی برسد، ما را فرا می‌خواند، سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید: آن را فقط به دانش خود یافته‌ام. نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی‌دانند.

حضرت علی علیہ السلام در نهج البلاغه خطبه ۱۱۴ می‌فرماید:

ستایش، خداوندی را سزاست که حمد و ستایش را به نعمت‌ها، و نعمت‌ها را به شکرگزاری پیوند داد. خدای را بر نعمت‌هایش آن گونه

ستایش می‌کنیم که بر بلاهایش.

نعمت بودن نعمت، به نوع عکس العمل انسان در برابر آن نعمت بستگی دارد که شاکر باشد یا کفور. هم‌چنین نقمت بودن نقمت، به نوع عکس العمل انسان در برابر آن بستگی دارد، که صابر و خویشن‌دار باشد یا سست عنصر و بی‌اراده.

(مطهری، همان: ص ۱۸۴)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

**لِكَيْلًا تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا أَتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.** (الجديد: ۲۳)  
تا بر آنچه از دست شما رفته اندوه‌گین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.

## ۲. ابتلا در بعد تنگی رزق و گرسنگی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

**اللَّهُ يَسْطُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.** (العنکبوت: ۶۲)  
خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می‌گرداند و [یا]  
بر او تنگ می‌سازد؛ زیرا خدا به هر چیز داناست.  
در روایات نیز این مسئله بارها و بارها مطرح شده و سخنان گرانقدرتی از ائمه  
اطهار علیهم السلام در این باره به ما رسیده است.

حضرت علی علیه السلام درباره رزق و روزی چنین می‌فرمایند:

و قدر الارزاق فکرها و قلّلها و قسمها على الضيق و السعة، فعدل فيها ليتلى من اراد  
بميسورها و معسورةها، و ليختبر بذلك الشّكر و الصّبر من غنيّها و فقيرها. (نهج البلاغة، خ ۹۱)  
روزی انسان‌ها را تقدیر (اندازه‌گیری) فرموده؛ گاهی کم، و زمانی زیاد، و  
به تنگی و وسعت به گونه‌ای عادلانه تقسیم کرده تا هر کس را بخواهد با  
تنگی روزی یا وسعت آن بیازماید، و با شکر و صبر، غنی و فقیر را بیازماید.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

خداوندا، مرا طاقت بر سختی و مشقت، و شکیبایی بر بلا، و قدرت بر تنگدستی نیست. پس روزی ام را منع مکن و مرا به خلق خود و امگذار، بلکه خود به تنها یی نیاز مرا برآور و خودت کارساز من باش. (صحیفه سجایه، ۱۴۱۸ق:

دعای ۲۰)

اما علل و عواملی که موجب تنگی معاش می شوند عبارت اند از:

الف. تنپروری و راحت طلبی و شانه از زیر بار مستولیت خالی کردن؛ چنانچه

امام صادق علیه السلام از پدرس نقل فرموده که امام علی علیه السلام می فرمود:

کسی که مالک آب و خاک است و در فقر و تهی دستی بر سر می برد،

خداوند او را از رحمت خود دور می سازد. (جمیری، ۱۴۱۳ق: ص ۵۵)

ب. زیاده روی در صرف مال در هنگام تمکن؛ چنانچه حضرت علی علیه السلام در

دعای کمیل می فرماید:

اللهُمَّ اغفرْ لِي الذُّنُوبُ الَّتِي تَعَيَّنَ النَّعْمَ.

ج. اخلاق مذموم و سوء معاشرت با مردم؛ حضرت علی علیه السلام فرمود:

کسی که اخلاقش بد است، در مضيقه روزی قرار می گیرد. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ص

۳۵۴)

در مقابل، راههای برطرف کردن مضيقه مالی و تنگدستی عبارت اند از:

الف. کار و فعالیت؛ چنانکه در روایت آمده که کلیب صیداوی می گوید: به امام

صادق علیه السلام عرض کردم: از خدا بخواهید گشايشی به رزق من عطا فرماید؛ زیرا

وضعم به هم ریخته و مشکل شده است. حضرت بدون وقه و با سرعت فرمود:

لا، اخرج فاطلب. (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۵، ص ۷۹)

دعا نمی کنم، و دنبال کار برو.

ب. میانه روی در ایام ثروتمندی و فقر؛ در این باره حضرت رسول اکرم علیه السلام

می فرماید:

المنجيات فخوف الله في السر والعلانية، و القصد في الغنى و الفقر، و الكلمة العدل في الرضا و السخط. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۷، طرسی، ۱۳۸۵ق: ص ۲۹۵، فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ص ۵۵)

سه چیز نجات بخش است: اول خوف از خداوند در پنهان و آشکار؛ دوم میانه روی در ایام ثروتمندی و فقر؛ سوم رعایت عدل و حق در حال رضا و خشم.

ج. زدودن گناه؛ حضرت علی علیہ السلام به کمیل بن زیاد فرمود:

يا کمیل قل عند کل شدّة: «لا حول و لا قوّة الا بالله» تکفها، و قل عند کل نعمة: «الحمد لله» تزدد منها، و اذا ابطأت الارزاق عليك فاستغفر لله يوسع عليك فيها. (حرانی،

۱۴۰۴ق: ص ۲۸۸)

ای کمیل، در هر سختی و مشکلی بگو «لا حول و لا قوّة الا بالله» تا آن مشکل و سختی برطرف شود. در هر نعمتی بگو «الحمد لله» تا افرون گردد. و چون روزی هایت دیر رسید، استغفار کن تا [خدا] در آنها گشايش دهد.

د. حسن خلق و معاشرت نیکو با مردم؛ حضرت صادق علیہ السلام فرمود:

حسن خلق، روزی را زیاد می کند و آدمی را از نعمت بیشتری برخوردار می سازد. (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۴۱۱)

### ۳. ابتلا از طریق اموال و اولاد

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ. (التغابن: ۱۵)

جز این نیست که اموال و فرزنداتان برای شما وسیله آزمایش هستند و خداوند است که پاداشی بزرگ نزد اوست.

کلمه فتنه به معنی گرفتاری هایی است که جنبه آزمایشی دارد. اموال و فرزندان،

از مهم‌ترین وسایل امتحان انسان هستند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خدای عز و جل خطاب به موسی علیه السلام فرمود: و اعلم ان کل فتنه بدوها حب الدنيا. (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۲، ص ۱۳۶) آگاه باش! آغاز هر فتنه، دوستی دنیاست.

یکی از مهم‌ترین ابزار آزمایش، مال و ثروت است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: المال ماده الشهوات. (نهج البلاغه، ح ۵۸) ثروت، ریشه شهوت‌هاست.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

ایاک ان تمتع في طاعة الله فتفق مثليه في معصية الله. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۴۰۸) مبادا در راه خدا از صرف مال دریغ کنی؛ در این صورت دو برابرش را در نافرمانی خدا خرج می‌کنی.

خدای حکیم در مورد نیکان می‌فرماید:

رِجَالُ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةً وَلَا يَبْعَثُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (النور: ۳۷)

مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا، و بر پاداشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ایمان خود را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید، و امواج بلا را با دعا از خود دور سازید. (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶)

#### ۴. ابتلا از بُعد حوادث اجتماعی

برخی از سختی‌ها و گرفتاری‌ها به دست خود انسان‌ها ایجاد می‌گردد و این گرفتاریها تحت عنوان فتنه‌ها و سیله‌ای جهت آزمایش انسان‌اند. عوامل مؤثر در بروز فتنه‌های اجتماعی عبارت‌اند از:

## ۱-۴. جهل و نادانی

### ۲-۴. ترس

مردم در زمان جاهلیت در جهل و نادانی به سر می‌بردند و بعد هم از خلفاً و حکومت زمان خود می‌ترسیدند و جرئت حرف زدن نداشتند، این مطلب در زمان‌های مختلف تجربه شده است.

### ۳-۴. عدم اطاعت از رهبری معصومین

اطاعت امت از امام، شرط تکمیل کننده امامت است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

فان معصیة الناصح الشفیق العالم المُجَرَّب تورث الحسرة و تعقب الندامة. (نهج البلاغه، خ ۳۵)  
بدانید که نافرمانی از دستور فرد خیرخواه مهربان دانا و باتجربه، مایه حسرت و سرگردانی و سرانجامش پشیمانی است.

### ۴-۴. دوستی با شیطان و تسلط او بر انسان

وَمَنْ يَتَّخِذُ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا. (النساء: ۱۱۹)

و هر کس به جای خدا، شیطان را سرپرست خود گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است.

یکی از مهم‌ترین عوامل ضرر و زیان در زندگی آدمی، وجود شیطان است. شیطان وقتی از درگاه خداوند رانده شد، به عزت خداوند سوگند یاد کرد که همه بندگان خدا را گمراه نماید.

شیطان در گمراه کردن هر کسی نمی‌تواند توفیق یابد، همان گونه که خودش در ادامه سوگندش بیان کرده که نمی‌تواند بر بندگان مخلص خدا مسلط شود: إِلَّا عِبَادُكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصُونَ. (النساء: ۸۳)  
مگر آن بندگان پاک دل تو را.

## ۴-۵. همنشینی با اهل فسق و فجور

نقش دوست در زندگی انسان بسیار مهم است. دوست خوب باید چنان باشد که نگاه به او انسان را به یاد خدا بیندازد و عاملی برای عبادت بیشتر خداوند باشد، نه عامل دوری از یاد خدا و عامل تشویق به گناه باشد و گرنه چنین شخصی از اعوان و انصار شیطان بوده و عامل خسران و ضرر می‌باشد.

امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

اقطع عنن تنسیک وصلته ذکر الله و تشغلك الفتہ عن طاعة الله، فان ذلك من اولیاء الشیطان و اعوانه... فان ذلك هو الخسran المبین العظیم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۱، ص ۱۶۰)

قطع رابطه کن با آن کسی که دوستی با او تو را از یاد خدا بازمی‌دارد، و الفت و دوستی با او تو را از اطاعت خدا بازمی‌دارد، پس چنین کسی از اولیا و یاران شیطان است... و این دوستی همانا زیانکاری آشکار و بزرگی است. از دیدگاه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، می‌توان با استعانت از صبر، دعا، صدقه، مناجات با خدا، استغفار، مراقبت و محاسبه نفس، نیت پاک خالص، جبران گذشته، توبه، ادای حق الله، ادای حق الناس و... با مصائب برخورد کرد.

## ۵. ابتلاء از بعد سنت امتحان و املاء و استدراج

### ۵-۱. ابتلائاتی از جنبه امتحان

امتحان به معنای تصفیه و خالص کردن است. «المحنۃ» معنای کلامی است که به وسیله آن، شخص آزموده شده، و به واسطه گفتارش ناپیداهای درونی و قلبی اش آشکار می‌گردد.

راغب گوید: «المحن و الامتحان نحو الابتلاء» (امتحان بمانند ابتلاء، آزمودن است). چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبُهُمْ لِلتَّقْوَىٰ. (الحجرات: ۳)

آنان همان کسانی هستند که خداوند دل‌هاشان را برای پرهیزکاری امتحان کرده است.

### الف) انتساب امتحان به خداوند

نسبت دادن امتحان به خداوند، از باب مجاز است؛ زیرا امتحان حقیقی از کسی صادر می‌شود که عاقبت امر بر او مکشوف نباشد و بخواهد به وسیله امتحان آن را معلوم سازد، در حالی که خداوند از عواقب امور کاملاً آگاه می‌باشد. پس امتحان خداوند به معنای این است که بدین وسیله بر افراد اتمام حجت کند تا نگویند که اگر در فلان موقعیت قرار می‌گرفتیم، فلان کار خیر را انجام می‌دادیم یا از آن کار زشت دست باز می‌داشتم.

### ب) دنیا وسیله آزمایش

یکی از انواع آزمایش‌هایی که خداوند از انسان به عمل می‌آورد، آزمایش و امتحان با دنیاست. خداوند متعال در باب دنیا و خصوصیات آن، می‌فرماید:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنُبَلُوْهُمْ أَيْهُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً. (الكهف: ۷)

در حقیقت، ما آنچه را که بر روی زمین است، زیوری بر روی آن قرار دادیم، تا آنان (انسان‌ها) را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند.

یکی از هدف‌های اصلی پیامبران الهی ﷺ و اولیاء خدالله علیهم السلام این بوده که مردم را از دنیا و دلبستگی بدان نهی کنند. حضرت علی علیهم السلام می‌فرماید:

يَا إِيَّاهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَجَازٌ وَالْآخِرَةُ دَارٌ قَرَارٌ، فَخُذُوهُ مِنْ مَمْرُّكِمْ لِمَقْرُّكِمْ. (نهج‌البلاغة، خ ۲۰۳)

ای مردم، دنیا سرای گذر و آخرت، خانه جاویدان است. اینک، از گذرگاه خویش، برای سرمنزل جاودان توشه برگیرید.

حضرت باقر علیهم السلام می‌فرمایند:

مثل الحريص على الدنيا كمثل دودة الفزّ كلما ازدادت على نفسها لفّا كان ابعد لها من

الخروج حتی تموت غمّاً. (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۲۰۲)

مثل آدمی که حریص به دنیا باشد، مثل کرم ابریشمی است که هر چه بیشتر تار بر خود تند، راه فرارش دورتر می‌شود، تا بالاخره از شدت اندوه و تاریکی زندان پیله بمیرد.

### ج) نقش ابتلا و آزمایش در تربیت انسان

والاترین مرتبه تربیت این است که انسان پیوسته خود را در معرض امتحان الهی ببیند و آن را نرdban سیر به سوی مقصدی کند که برای آن آفریده شده است.

امیر مؤمنان علی علیہ السلام می فرماید:

فَإِنَّ الْذَّهَبَ يَجْرِبُ بِالنَّارِ، وَ الْمُؤْمِنُ يَجْرِبُ بِالْبَلَاءِ. (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۹۹)  
همانا طلا با آتش، و بنده صالح با بلا امتحان می‌گردد.

عند الامتحان یکرم الرّجل او یهان. (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۱۰۰)

هنگام آزمایش است که انسان خود را گرامی یا خوار می‌دارد.

نمونه‌های تربیت الهی در پرتو آزمون‌های گوناگون به مراتب والای کمال دست یافتند، چنان‌که خدای متعال، حضرت ابراهیم خلیل علیہ السلام را پس از ابتلاها و آزمایش‌ها و امتحان‌های فراوان به مقام امامت مردم منصوب کرد. از جمله امتحانهای: فرمان قربانی کردن فرزند (الصفات: ۱۰۱ و ۱۰۶)، قراردادن زن و فرزند در سرزمین خشک بی‌گیاه (ابراهیم: ۳۷)، مهاجرت از سرزمین بتپرستان (مریم: ۴۸)، شکستن بت‌ها (الانبیاء: ۵۷-۶۰)، رفتن در دل آتش (همان: ۶۸) و... پس از اینکه حضرت ابراهیم از همه این امتحان‌ها و آزمایش‌ها سربلند بیرون آمد، لیاقت امامت را یافت.

البته ابتلا، آزمایش و امتحان به وسیله آسایش و رفاه و عافیت و راحتی، از امتحان به وسیله مشکلات و گرفتاری‌ها سخت‌تر است؛ زیرا در این حال، غفلت



و لغرض آدمی بیشتر است. تنها کسانی می‌توانند مقام شاکر بودن خود را حفظ کنند و به کفران کشیده نشوند که به توفیق الهی امتحان‌ها و آزمایش‌ها را بشناسند و سخت استقامت و پایداری ورزند.

## ۵-۲. ابتلائاتی از جنبه املاء

از جمله اموری که خداوند متعال انسان‌ها را با آن می‌آزماید، املاء به معنی مهلت دادن است. نعمت مهلت که عطیه حضرت باری تعالی است، باید در اطاعت ذات مقدس خداوند صرف گردد. البته گناه، سرپیچی از اطاعت خداوند است، و همه گناهکاران استحقاق کیفر دارند، اما در خصوص گناهانی که به امنیت عمومی ضرر نمی‌رسانند، خداوند به گناهکاران مهلت می‌دهد و در مجازاتشان تسریع نمی‌کند. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ص ۴۵۶-۴۵۷) این خود یکی از نعمت‌ها و عنایات بزرگ باری تعالی در حق کسانی است که بخواهند از این مهلت، استفاده صحیح کنند، و گرنه این مهلت، عذابی خفت بار برای آنها به دنبال خواهد داشت. خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا تُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا تُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ. (آل عمران: ۱۷۸)

و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست، ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند، و [آن‌گاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت.

حضرت علی علیله درباره مهلتی که خداوند به گناهکاران می‌دهد می‌فرماید: و لئن امهل [الله] الظالم فلن یفوت اخذه، و هو له بالمرصاد علی مجاز طریقه. (نهج البلاغه،

خ ۹۷

اگر خداوند، ستمگر را چند روزی مهلت دهد، از بازپرسی و عذاب او غفلت نمی‌کند، و او بر سر راه، در کمین گاه ستمگران است.

امام زین العابدین علیه السلام درباره مهلت دادن می فرماید:

و استعملني بطاعتك في أيام المهلة. (صحيفه سجاديه، ۱۴۱۸ق: دعای ۲۰)  
بار الها، در ایام عمر که مهلت خودسازی و نیل به کمال انسانی است، مرا  
به طاعت و فرمانبرداری ذات اقدس است و ادار ساز.

### ۳-۳. ابتلائاتی از جنبه استدرج

خداؤند، گروهی از انسان‌ها را به منظور ابتلا و امتحان، به فقر و تنگدستی می‌افکند. زمانی که این اقدامات نتوانست آثار مثبتی داشته باشد و آن افراد در این آزمایش‌ها، موفقیتی کسب نکردند، در مرحله بعد، درهای نعمت را به روی آنها می‌گشاید. وسعت روزی و فراوانی نعمت‌ها در این حالت، امتحان دشوارتری است. برای گناهکاران، نعمت «استدرجی» است و مقدمه‌ای برای مجازات‌های بعدی.

در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ چنین آمده است:

اذا رأيَ اللَّهُ يَعْطِيَ الْعَبْدَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَعاصِيهِ مَا يُحِبُّ فَإِنَّمَا هُوَ إِسْتِدْرَاجٌ، ثُمَّ تَلَّ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذَكَرُوا. (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ج ۳، ص ۴۶۶)

زمانی که می‌بینی خداوند، در برابر گناهان بنده، به او نعمت می‌بخشد، بدان که «استدرج» است (مقدمه‌ای برای مجازات).

امیر مؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

إِنَّهُ مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ فَلَمْ يَرِ ذَلِكَ إِسْتِدْرَاجًا، فَقَدْ أَمِنَ مَخْوَفًا. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۰، ص ۳۸۳)

کسی که خداوند به موهاب و امکاناتش وسعت بخشد، و آن را مجازات استدرجی نداند، از نشانه خطر غافل مانده است.

### آثار و فواید مصایب و بلایای الهی

یک گروه از مصایب، بلياتی است که از جانب خدا و لازمه حیات این

دنبیاست.

وَنَبْلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٌ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرُ الصَّابِرِينَ. (القره: ۱۵۵)

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزماییم و مژده ده شکیبایان را.  
مصالح و بلایایی که حکمت و مصلحت در آنهاست، فوایدی به شرح زیر در بر دارند:

۱. بیشتر این گونه مصایب و بلایا به ظاهر مصیبت و بلا هستند، ولی در حقیقت رحمت و نعمتند، مانند مداوای بیمار و معالجه او که بر او دشوار می آید، لیکن وسیله شفای اوست؛ چنانچه در حدیث قدسی آمده است:  
ان من عبادی من لا يصلحه الا الفقر، لو أغنيته لأفسده ذلك. (فیض کاشانی، ج ۳، ص ۱۹۰)

خداوند می فرماید که عدهای از بندگان من هستند که فقط با فقر، صالح و شایسته می گردند؛ پس اگر آنها را بی نیاز گردانم، این بی نیازی باعث فساد آنان می شود.

۲. بسیاری از اخلاق حمیده و صفات حسن در نتیجه ابتلا به مصایب و گرفتارشدن به بليات و ناملايمات، حاصل می شود، مانند صبر و رضا و تسلیم و حلم و غير اينها. اين مصیبتها تأديب حق برای تربیت خلق است، مانند فرمانده سپاهی که سربازان را به کارهای سخت و امي دارد تا ورزیده و کارآزموده شوند.

۳. مصائب، موجب توجه بنده به خدا می گردند و غفلتی را که غالباً در اثر متنعم بودن برای انسان حاصل می شود برطرف می کنند و انسان را به دعا و بسیاری از عبادات و تحصیل علم که در نعمت برای او میسر نمی شود موفق می گردانند.

۴. امتحان است که برای خود بنده و دیگران، حد معرفت و مقام او را معلوم می‌گردد.

۵. بسیاری از مصایب و بلایا موجب مثبت و پاداش اخروی هستند.

۶. برخی از مصایب، عقوبت دنیوی معاصی هستند؛ خدای تعالی می‌فرماید:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتُ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُونَ كَثِيرٌ. (الشوری: ۳۰)

و هر [گونه] مصیبیتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدای] از بسیاری درمی‌گذرد.

۷. بلا و مصیبیت موجب غفران گناهان و کفاره معاصی است؛ و همچنین مكافاتی است که باعث عبرت و تنبه دیگران و رسانیدن حق به صاحبان حق و انتقام از ظالمان می‌گردد. و بسیاری از حکمت‌های دیگر که از فهم و ادراک بشر خارج است. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۵۴)

### عدالت و مصیبیت

قرآن تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن است؛ در برخی از آیات، از مقام فاعلیت و تدبیر الهی به عنوان مقام قیام به عدل یاد می‌کند:

شَهَدَ اللَّهُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمُ قَائِمًا بِالْقِسْطِ. (آل عمران: ۱۸)

خداؤند گواهی داده است که معبدی جز او شایسته پرستش نیست، و فرشتگان و عالمان که عدالت را بر پا می‌دارند، نیز بر آن گواهی داده‌اند.

خدای بزرگ، عدل را ترازوی الهی در امر آفرینش می‌داند:

وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ. (الرحمن: ۷)

و آسمان را برافراشت و هرگونه ابزار سنجش (با عدالت) را در میان نهاد.

در ذیل همین آیه رسول خدا ﷺ فرمودند:

بالعدل قامت السماوات و الارض. (فیض کاشانی، ج ۲، ص ۶۳۸)

آسمان‌ها و زمین به عدل بر پا است.

قرآن کریم حکمت بعثت و ارسال رسول را حاکمیت عدل و قسط بر نظام زندگانی بشر می‌داند:

لقد ارسلنا رسالنا بالبيانات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط. (حدید: ۲۵)  
همانا فرستادگان خویش را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و مقیاس (قانون) فرستادیم تا مردم بدین وسیله عدل را بربپا دارند.

در مورد پیوند "عدل و مصیبت" آیات بر اساس قرآن و احادیث خاندان وحی دیدیم که مصیبت به هیچ وجه ناقض عدل خداوندی نیست، چرا که اگر از جانب خداست یا برای آزمون و اعطاء درجه، یا برای رشد بنده شایسته، و یا به عنوان کفاره گناه اوست. و اگر در اثر رفتار خود بنده است، باز مجازاتی عادلانه برای اهدافی حکیمانه است، از جمله انذار و هشداری بیدار بخش به بنده خطاکار و اصلاح مسیر زندگی او.

## منابع

- قرآن کریم، محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
- نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش.
- الصحیفة السجادیة، ترجمه علی شیروانی، قم، الهادی، ۱۴۱۸ ق.
- .۱. آمدی، عبدالواحدین محمد، غرر الحكم و درر الكلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- .۲. ابن بابویه قمی، ابو جعفر محمد بن علی (شیخ صدق)، الامالی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ترجمة حسین استادولی، ۱۳۶۰ ش.
- .۳. ——— عیون اخبار الرضا علیہ السلام، حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدق، ۱۳۷۲ ش.
- .۴. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، الکهوف، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۰ ش.

٥. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو، *تفسير القرآن العظيم*، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٩ ق.
٦. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ ق.
٧. بلخى، مقاتل بن سليمان، *تفسير مقاتل بن سليمان*، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٢٣ ق.
٨. ثقفى تهرانى، محمد، *تفسير روان جاوید*، تهران، انتشارات برهان، ١٣٨٩ ق.
٩. امام حسن بن على عليه السلام، *تفسير منسوب به امام حسن عسکری*، قم، مدرسة امام مهدى، ١٤٠٩ ق.
١٠. حجتى، سید محمد باقر، و بی آزار شیرازی، عبدالکریم، *تفسير کاشف*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٧٦ ش.
١١. خمینی، روح الله الموسوی، *چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ١٣٧٧ ش.
١٢. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، قم، انتشارات دریا، ١٣٨٣ ش.
١٣. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، *رشاد القلوب الی الصواب*، قم، الشریف الرضی، ١٤١٢ ق.
١٤. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بيروت، ١٤١٢ ق.
١٥. ———، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، غلامرضا خسروی حسینی، انتشارات مرتضوی، ١٣٧٥ ش.
١٦. رسولی محلاتی، سیدهاشم، *تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم النبیین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٧٧ ش.
١٧. زمخشri، محمود، *الکشاف عن حقائق غواصی التنزیل*، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ ق.
١٨. شرف الدین، سید عبد الحسین، *النص والاجتہاد، علی دوایی*، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، بی تا
١٩. طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الاخلاق*، قم، الشریف الرضی، ١٤١٢ ق.
٢٠. ———، *مشکاة الانوار في غرر الاخبار*، نجف، المکتبة الحیدریة، ١٣٨٥ ق.
٢١. طیب، سید عبد الحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، ١٣٧٨ ش.
٢٢. عبدالباقي، محمد فؤاد، *المعجم المفہرس الفاظ القرآن الکریم*، تهران، انتشارات همسفر، ١٣٨٦ ش.
٢٣. العروسي حويزی، عبدالعلی بن جمعه، *نور التقليین*، عقیقی بخشایشی، نشر نوید اسلام، ١٤١٥ ق.
٢٤. فروزانفر، بدیع الزمان، *احادیث و قصص معنوی*، تهران، امیرکبیر، ١٣٨١ ش.
٢٥. فرشی، سید علی اکبر، *احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ١٣٧٧ ش.
٢٦. قطب، ابن بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، بيروت، دار الشروق، ١٤١٢ ق.
٢٧. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، *الدعوات*، قم، انتشارات مدرسة امام مهدی عليه السلام، ١٤٠٧ ق.
٢٨. قمی، عباس، *متنمی الآمال*، بيروت، هجرت، ١٤٠٤ ق.
٢٩. ———، *سفينة البحار و مدینة الحكم و الآثار*، بيروت، دار الاصوات، ١٤٠٤ ق.

٣٠. — مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی، تهران: فیض کاشانی، ۱۳۷۸ ش.
٣١. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الكتاب، ۱۳۶۷ ش.
٣٢. کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۴۶ ش.
٣٣. — تتبیه الغافلین و تذكرة العارفین، پیام حق، بی تا.
٣٤. کراجکی، ابوالفتح، کنز الفوائد، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق.
٣٥. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ش.
٣٦. گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعة و مفتاح الحقيقة، منسوب به امام جعفر بن محمد علیہ السلام، تحقیق: مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ش.
٣٧. متqi هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الاعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
٣٨. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الإمام الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
٣٩. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۷۸ ش.
٤٠. — عدل الهی، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۸۹ ش.
٤١. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
٤٢. — آفریدگار جهان، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیہ السلام، ۱۳۸۶ ش.
٤٣. مغنية، محمد جواد، التفسیر الکاشف، تهران، دار الكتب الاسلامیة، ۱۴۲۴ ق.
٤٤. — التفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت، بی تا
٤٥. هلالی، سلیمان بن قیس، اسرار آل محمد علیهم السلام، تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهدای، ۱۴۱۶ ق.